

تالارهای جشنواره نمایش های آئینی و سنتی

فرهنگی و هنری



انیمیشن «کنسابت انتسابی» در دو جشنواره ی «آنکا» و «فلوریدا» پذیرفته شد و در عین حال انیمشن کوتاه «آتراکت» در جمهوری چک پذیرفته شده است.

فیلم انیمیشن «کنسابت انتسابی» از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به کارگردانی «سمانه شجاعی» در

دو جشنواره بین‌المللی «آنکا» اسلواکی و «فلوریدا» آمریکا به نمایش درمی‌آید.
دهمین دوره جشنواره «آنکا» طی روزهای ۸ تا ۱۱ تیرماه ۹۶ در کشور اسلواکی برگزار می‌شود و فیلم انیمیشن «کنسابت انتسابی» ساخته «سمانه شجاعی» در بخش «چشم‌انداز جهان» این جشنواره روی پرده خواهد فت. «کنسابت انتسابی» یکی از آثار انیمیشن منتخب بخش مسابقه جشنواره «فلوریدا» نیز هست که از پنجم تا هشتم مردادماه در کشور آمریکا برگزار خواهد شد.

پیش از این، اعلام شده بود که این فیلم در بخش مسابقه دانش‌جویی پنجاه و ششمین دوره جشنواره فیلم انیمیشن انسی Anney به نمایش درمی‌آیداین جشنواره که از فستیوال‌های انیمیشن جهان است، طی روزهای ۲۲ تا ۲۷ خرداد در کشور فرانسه برگزار خواهد شد.

داستان فیلم انیمیشن «کنسابت انتسابی» درباره ی پیر پسر۱ است که از وضعیت ظاهری و موروثی خود ناراضی بوده و تصمیم می‌گیرد به زندگی خود خاتمه دهنه اما خودکشی ناموفق او شرایط جدیدی را در زندگی‌اش ایجاد می‌کند. این فیلم یک تجربه ی جدید به روایت گروتسک (ملنژ تلخ) در انیمیشن

با تصاویر رئال است.

«کنسابت انتسابی» در سی‌امین دوره جشنواره فیلم کوتاه دانش‌جویی دانشگاهی «وینز» ایتالیا، دوازدهمین جشنواره بین‌المللی انیمیشن «آتن» یونان و یازدهمین برنامه نمایش فیلم Flatpack بیرمنگام انگلیس نیز به نمایش درآمده است. حضور انیمیشن کوتاه «آتراکت» در جشنواره «آنی فیلم» جمهوری چک

انیمیشن کوتاه «آتراکت» به کارگردانی محمدرضا خردمندان محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در جشنواره فیلم «فیلمفیل» جمهوری چک حضور دارد.

انیمیشن کوتاه «آتراکت» ساخته محمدرضا خردمندان محصول باشگاه فیلم سوره هنری در بخش رقابتی فیلم‌های کوتاه جشنواره فیلم «فیلمفیل» جمهوری چک شرکت می‌کند.

این جشنواره به تکنولوژی روز انیمیشن در دنیا توجه دارد و پذیرای نویسندگان و افراد حرفه‌ای در این زمینه است. ضمناً تلاش دارد که در کنار معرفی صنعت انیمیشن جمهوری چک، بخش جنوبی جمهوری چک را نیز به مهمانان خود معرفی کند.

حضور فیلم سینمایی «پناه» در بازار فیلم کن

اهالی روستا است. او میان رفتن و ماندن مردد است. حسین براتی، هدی آهنگر، ندا کوهی، کامبیز قوام زاده، مجتبی قربانی و مریم داوری بازیگران «پناه» هستند. بهرامی تا کنون ساخت چند فیلم کوتاه و همچنین تهیه و کارگردانی فیلم‌های بلند داستانی را در کارنامه خود داشته است همچنین موفق به دریافت فیلم افتخار بهترین فیلم بخش ترفایک جشنواره فیلم پلیس برای فیلم «عبور» و دیپلم افتخار و لوح تقدیر بهترین کارگردانی فیلم ویدیویی از جشنواره دفاع مقدس ۱۳۹۵ برای فیلم «توتل» شده‌است. با توجه به پذیرفته شدن فیلم سینمایی پناه در بخش بازار فیلم کن، این فیلم در چند نوبت برای پخش کنندگان و تهیه کنندگان حاضر در کن به نمایش در می آید. عوامل تولید

سریال رمضانی شبکه دو مشخص شد



مدیر تصویربرداری: امیر کریمی، مدیر صدابرداری: فرشید احمدی، طراح صحنه و لباس: حمیدرضا نوروزی، طراح چهره‌پردازی: مهریشیرازی، دستیار اول کارگردان: امیرعباس لطیفی، مدیر تولید: داوود جمشیدی، تدوینگر: خشایار موحدیان، مدیر برنامه‌ریزی: سعید عباسی، عکاس: حسن هندی، مشاور رسانه‌ای: علی مردخانی.

برپایی جشنی با یاد فنی‌زاده و ذوالفقاری

مراسم جشن انجمن نمایشگران عروسکی به بهانه هفته بزرگداشت تئاتر و با یادی از استاد جواد ذوالفقاری و دنیا فنی‌زاده برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا، انجمن نمایشگران عروسکی به مناسبت هفته بزرگداشت تئاتر جشنی با حضور هنرمندان و اساتید پیشکسوت حوزه تئاتر و تئاتر عروسکی ایران عصر چهارشنبه (۱۳ اردیبهشت) ساعت ۱۸:۳۰ در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان برگزار می‌کند.در این مراسم عروسکی از یکی از فعالان پیشکسوت تئاتر عروسکی ایران تقدیر خواهد شد و از دیگر برنامه‌های این جشن اجرای قطعات تئاتر عروسکی و خوانش پیام روز جهانی تئاتر عروسکی است. همچنین قراراست در قالب بحث و گفت‌وگو با طرح پیشنهادت به بررسی مشکلات و معضلات این روزهای تئاتر عروسکی ایران بپردازند. یادواره برای دو هنرمند از دسته رفته تئاتر عروسکی «استاد جواد ذولفقاری و دنیا فنی زاده نیز برگزار خواهد شد.مراسم جشن انجمن نمایشگران عروسکی به همت هیات مدیره انجمن و به کارگردانی فریا ریئسی نویسنده و کارگردان تئاتر عصر چهارشنبه مورخ ۱۳ اردیبهشت ساعت ۱۸:۳۰ در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان برگزار می‌شود.

تعمید تئاتر تالار «حافظ»، تغییر عنوان یک نمایش، آخرین روز اجراها در ایرانشهر … از جمله خبرهای تئاتر است.

عنوان نمایش «شماعی زاده»به نویسنده‌گی و کارگردانی رضا بهاروند تغییر کرد، این اثر از ۱۷ اردیبهشت در تئاتر باران به روی صحنه می‌رود.به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی گروه؛ با آغاز پیش فروش این اثر به دستور شورای نظارت و ارزیابی اداره کل هنرهای نمایشی نام نمایش «شماعی زاده» به «شماعی زاده» تغییر یافت و «شماعی زاده» از ۱۷ اردیبهشت در تئاتر باران به روی صحنه می‌رود.با استقبال مخاطبان از پیش فروش سه روز نخست نمایش «شماعی زاده» و پایان یافتن بلیت‌ها؛ پیش فروش بلیت روزهای جدید در سایت تیوال آغاز شده است.

بازیگران به ترتیب ورود در این نمایش عبارتند از: علی شادمان، باران وفار کاشانی، شیدا خلیق، احمد کاوری، تینو صالحی، فرانک کلاتر، سالار کریمی، هدی زندی.

همچنین سعید حسنلو به عنوان طراح صحنه بهاروند را در

اجرای این نمایش همراهی می‌کنند.

سایر عوامل این اجرا عبارتند از:مشاور هنری: احمد سلگی، طراح لباس: آزاده قوام، طراح گریم: مونا جعفری، آهنگساز: مبین بهاروند، طراح گرافیک: وحید میماقی، مدیر تولید: حسین ارجی، دستیار کارگردان و برنامه ریز: حسین شاهپوند، منشی صحنه: غزاله الکنانی، مدیر روابط عمومی و تبلیغات علی ژبان (جارجی)مشاور رسانه ای: مریم رودبارتی، تبلیغات مجازی: آریان امیرخان (فیلم نیوز)ساخت تیزر هنری: شهاب نجفی، ساخت تیزر تبلیغاتی و عکاس: اشکان مستی

هفته پایانی اجراهای ۴ نمایش تماشاخانه ایرانشهر

نمایش‌های «سونات پاییزی»، «… و چند داستان دیگر»، «ولین» و «آوازهای سر شام» هفته پایانی اجراهای خود را در

ستاد برگزاری جشنواره نمایش های آئینی و سنتی سالن های چهارسو و سایه از مجموعه تئاتر شهر، تماشاخانه سنگلج، تالار حافظ، تالار هنر و تالار محراب را به عنوان سالن های میزبان هفدهمین جشنواره نمایش های آئینی و سنتی انتخاب و معرفی کرد.

جشنواره نمایش‌های آئینی و سنتی به ریاست علی نصیریان و دبیری داود فتحعلی بیگی برگزار می‌شود.

این هفدهمین دوره از این جشنواره است که از ۴الی ۱۰ شهریور ماه در تهران برپا خواهد شد.

انیمیشن‌های ایرانی در راه جشنواره‌های جهانی



«آتراکت» برگرفته از «Entract» کلمه‌ای فرانسوی و به معنای حداقل بین دو پرده موسیقی است. فیلم نیز در فاصله بین دو قطعه موسیقی روایت می‌شود. ایده «آتراکت» از داستان تک تیراندازی اسرائیلی است که در جریان جنگ ۲۰۱۴ غزه با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود ادعا کرد در یک روز توانسته ۱۳ کودک فلسطینی را هدف قرار دهد.عوامل انیمیشن کوتاه «آتراکت» عبارتند از نویسنده و کارگردان: محمدرضا خردمندان، کارگردان فنی و هنری: بهزاد رجبی پور، مدیر تولید: علیرضا رنجبر شورابی، مدل سازی شخصیت: محمدعلی شاکری، حسین غظیمی، مدل‌سازی محیطی سه بعدی: سعید خالقی، امید نژادنیک، توحید توانا، انیماتور: اعظم مهدی زاده، طراحی اسطوری پور: میثم برزآ، رندر و شیدینگ: علیرضا رنجبر شورابی، امید نژادنیک، سعید خالقی، کامپوزیت: محمد افشانی، کانسپت: مجتبی نازلو، طراحی صدا و میکس: علیرضا علویان، موسیقی: حامد ثابت، تدوین: ابوظر حیدری، تهیه کننده: محمدرضا شفا، محصول: باشگاه فیلم سوره حوزه هنری.

جشنواره فیلم «فیلمفیل» از ۱۲ تا ۱۷ اردیبهشت ماه در شهر تریون جمهوری چک برگزار می‌شود.

«پناه» عبارتند از: نویسنده و کارگردان: احمد بهرامی،مدیر فیلمبرداری: مهدی اصلائی، تدوین: باران علائی، صدابردار: هادی ساعد محکم، برنامه ریز و دستیار کارگردان: بیژن حجازی، طراحی و ترکیب صدا: حسن مهدوی،طراح صحنه و لباس: ناهیدعزیزی،اجرای صحنه ولباس:عباس بحری، مدیرتولید: کامبیزقوامزاده، گریم،بررچان سلیمانیان، تصحیح رنگ: سهراب نوربخش(استودیو تتگرام)، امور فنی صدا: استودیو مون، جلوه‌های ویژه بصری: سلمان اربابون، منشی صحنه: ندا غزیزی، دستیاران کارگردان: بهنام داوری، اهورا بهرامی، گروه فیلمبرداری: رضا گلکرمی، محسن دبیریان، عرفان قیادی بیگونند، میلاد اصلائی، دستیاران صداگذاری: ایمان غزیزی، میلاد سرچمنی، متصدی دوربین: محسن



هاذوی،عکاس:حمید جغتایی، عنوان بندی و زیرنویس: مرضی حاج محمدی، مترجم: صدف صدیقی، تدارکات: محمد براتی، مهدی حشمت، حمل و نقل:مجید رحمانی، هماهنگی امور فرانسه: سید علیرضا میزایی، مشاور رسانه ای: منصوره بسمل، مشاور کارگردان: صالح غربی جوان، مشاور پروژه: تورج اصلائی، مجری طرح: محمود بهرامی، تهیه کننده گان: ناهید غزیزی، احمد بهرامی، تهیه شده در: خانه فیلم پارس

رونمایی از «تا هزار و نمیدونم چند»

و «اقلیم»

طاهری (دارم) شروع به تمرین کردند و پس از مدتی، حامد حمیدزاده (باسیست) به آن‌ها ملحق شد و حلقه اصلی «مانگ» شکل گرفت. البته آن‌ها سابقه حضور در گروه‌هایی مانند «پنها»، «بی‌بند»، «میوت ایجنسی» و «جالبوت» را هم در کارنامه خود دارند.

آن‌ها نام اولین آلبومشان را «اقلیم» گذاشته‌اند و به نوعی هم وام‌دار اقلیم‌ها هستند.

گروه موسیقی «مانگ» امیرعلی طاهری درباره فضای کاری «مانگ» گفت: نیما سعیدی کوه‌کاهی متونعی را برای گیتار طراحی کرده که براساس آن، ملودی‌ها و ریتم‌هایی که شنیده می‌شوند، شبیه به ملودی‌ها و ریتم‌های نواحی مختلف ایران هستند و حالتی بومی دارند. این آلبوم با سازهایی مانند گیتار آکوستیک، گیتار الکتریک، درامز، یاس، ساکسیفون، کلارینت و کوبه‌ای‌هایی مثل داربوکا و دمام و تنبک اجرا شده و می‌توان گفت حالتی تلفیقی دارد. در واقع هم نواحی موسیقی ایرانی را در خود دارد و هم حالت موسیقی غربی در آن شنیده می‌شود. البته در این گروه، موسیقی نواحی عینا اجرا نمی‌شود و فقط حالتی از موسیقی‌های نواحی مختلف ایران به گوش می‌رسد. در واقع مهمترین المانی که در این قطعات وجود دارد کوه‌کاهی مختلف و متفاوت نیما سعیدی روی گیتار است که باعث شده صدای ایرانی را هم تولید کنیم. «مانگ» که پیش از این، اجراهای کوچکی داشته، قرار است به صورت رسمی ۲۳ اردیبهشت‌ماه روی صحنه برود.طاهری درباره کنسرت پیش‌رو نیز اظهار کرد: آلبوم «مانگ» شامل هفت قطعه اینسترومنتال با نام‌های لگ، واهه، گیله، سه (۳)، خراسان، هجوم و خیزش شرقی است که در این کنسرت اجرا خواهند شد و علاوه بر آن، قرار است پنج قطعه جدید از آلبوم دوم را هم اجرا کنیم که سه تا از آن‌ها با خوانندگی نیما سعیدی همراه خواهد بود.

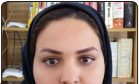
مستقل

۵

پنج‌شنبه ۱۴ اردیبهشت ■ شماره ۱۳۶

ستون یاد

زیبای خفته



الهام ریئسی‌فردانبه-روزنامهنگار



چهار مه سالروز تولد آذری هیپیورن است، زیبایی و وقار و سادگی او باعث شده که پیترباگدانویچ او را با لقب «آخرین معصوم سینما» توصیف کند.

آذری هیپیورن در همهٔ فیلم‌هایش آن قدر خوب و کامل است که برای تماشاگر چاره‌ای جز دوست داشتن‌اش باقی نمی‌گذارد. اما چیزی ورای افسون حضور این ستاره بر روی پرده ترقه‌ای وجود دارد که او را بین نسل‌های مختلف تبدیل به یک شمایل تکرارنشدنی و ماندگار کرده است. خانه های سبز و ناخوشوده و صبحانه در تیفانی از او غیر قابل تکرار است. یکی از نقش آفرینی‌های درخشانش را در « بانوی زیبای من» (۱۹۶۴) به نمایش گذاشت. در این

فیلم موزیکال جورج کیوکر، که برگرفته از نمایشنامه‌ای نوشته‌ی جرج برنارد شاو است، زبان‌شناسی به نام هیگینز، با همکارش کلنل پیکرینگ، شرط می‌بندد که دختری گلفروش، بازیگوش و مدرسه رفته(با بازی هیپیورن) را با تعلیمات زبان‌شناسی‌اش تبدیل به خانم و بانویی متشخص می‌کند که طوری که هیچ‌کس در تشخیص او شک نکند. بازی با نشاط و پُر انرژی هیپیورن در نقش الیزا، در ذهن‌ها جاودانه شد. او در فیلم، آواز خواند، از میل بالا رفت، فحش داد، خندید و عاشق شد. هنوز هم می‌توانید سه ساعت تمام پای فیلم بنشینید و راضی و سر حال تا انتها دنبالش کنید.

آذری هیپیورن بازیگر بریتانیایی (متولد ۴ می ۱۹۲۹ – متوفی ۲۰ ژانویه ۱۹۹۳) در بروکسل بلژیک متولد شد. هیپیورن که به عنوان نماد مد و صنعت فیلم شناخته می‌شد، در عصر طلایی هالیوود فعالیت می‌کرد. او از سوی بنیاد فیلم آمریکا به عنوان سومین اسطوره زن تاریخ سینمای آمریکا معرفی شد. بسیاری حتی او را زیباترین زن همه دوران می‌دانند.

هیپیورن که در منطقه ایکسل در شهر بروکسل متولد شد، دوران کودکی خود را در کشورهای بلژیک، انگلستان و هلند سپری کرد. در آمستردام، شروع به یادگیری رقص باله کرد و پس از عزیمت به لندن در سال ۱۹۴۸، آموزش‌های خود را ادامه داد و به عضویت در یک تئاتر موزیکال درآمد. وی قادر به صحبت به چندین زبان از جمله انگلیسی، فرانسوی، هلندی، ایتالیایی، اسپانیایی و آلمانی بود.

ظاهر نامدین هیپیورن از نگاه پسرش این‌گونه است: «مادرم مثل همهٔ خانم‌ها حدود سی-چهل تا روستی داشت. عینک آفتابی بزرگ و روسری شیوهٔ خوبی برای تغییر چهره‌اش بود و او گاهی اوقات می‌توانست به تهیه‌ی و بدون همراهی دیگران به خرید برود.»
دوتی در ادامه می‌گوید: «مادرم ترکیب زیبایی از عیب و نقص بود. او فکر می‌کرد که بینی بزرگی دارد و بیش از حد لاغر و استخوانی است. در آن‌به به خودش نگاه می‌کرد و می‌گفت: «نمی‌فهمم چرا همه من را این‌قدر زیبا می‌بینند.»

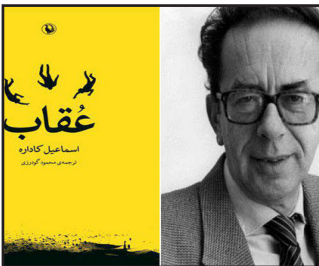
هیپیورن ترکیبی از تضادها بود: زنانگی و کودکانگی، معصومیت و قدرت. هیپیورن گوهری یگانه داشت که کارگردانان با کشف آن، به سیمای زن فیلمشان ابعادی جاودانه بخشیدند. شاید اگر آن فیلم‌ها از قدرت «حضور» این ستاره بی‌بهره بودند، به این میزان تأثیرگذاری و ماندگاری نمی‌رسیدند.آخرین فیلمش را اسپیلبرگ کارگردانی کرد که «همیشه» (۱۹۸۹) نام داشت.

همیشه گوشت را دست‌کم می‌گرفت در حالی که دنیا‌یی عاشقش بودند و هستند. خودش می‌گوید: «هر زنی می‌تواند با یک عینک آفتابی بزرگ و موهای کوتاه و لباس کوتاه بی‌استین بشود آذری هیپیورن» اما همه‌ی ما می‌دانیم که آذری هیپیورن، دومی ندارد.

کتابخانه‌ای برای زندگی بهتر

کتاب عقاب (یک رمان سیاسی –فلسفی)

انتشارات مروارید رمان «عقاب» اثر اسماعیل کاداره از نویسندگان شهیر کشور آلبانی را با ترجمه محمود دوردژی منتشر کرد.
کاداره دانش‌آموخته دانشگاه تهران است و از سال ۱۹۶۳ با انتشار نخستین رمانش با عنوان «نزال ارتش مرده» توانست شهرت بسیاری را به دست



آورد.

او در اوایل سال‌های ۱۹۹۰ در پی فشارهای رژیم کمونیستی انور خوجه، آلبانی را ترک و به فرانسه پناهنده شد. انتشار کتاب‌هایش برای مدت‌ها در آلبانی ممنوع بود ولی در فرانسه با استقبال روبرو شد. کاداره در سال ۱۹۹۶ به عضویت فرهنگستان علوم اخلاقی و سیاسی فرانسه درآمد و پس از آن نیز به عنوان افسر «لیون دوتور» معرفی شد. وی تاکنون در حدود ۲۰۰ رمان و چندین کتاب شعر به چاپ رسانده‌است. اسماعیل کاداره، نویسنده کتاب عقاب، بزرگترین نویسنده آلبانی است. او در دانشگاه تیرانا و مؤسسه گورکی در مسکو تحصیل کرده است. کاداره بیشتر در سبک بخصوص خود، یعنی سبک خاص سیاسی، مشغول است که غالباً پس زمینه ای فلسفی دارد.

داستان این کتاب راجع به قهرمان رمان، مکس، است که شی عجیب در راه، خرابه زیر پایش خالی می‌شود و به دنیا ی پایین سقوط می کند. او در آن دنیا که دنیاى سقوط کرده‌است بی هیچ دلیلی محکوم به زندگى در تبعید است. او در آن دنیا در تقلا برای صعود و بازگشت به دنیاى بالااست. او دچار جنونى

متعالی می‌شود که در نهایت موجب فنا و مرگش می‌شود.

رمان از منظر فلسفی تاریخچه‌ای از سرگذشت بشر است که در تلاش برای رسیدن به عالم معناست و برای این رسیدن، دست به هرکاری می‌زند.

پیام کتاب این است که برای رسیدن به عالم معنا و تعالی، آن چیز که باید به دنبالش باشیم درون خود ماست و ما باید آن را در خود جستجو کنیم و تمام راه‌های تقلا برای رسیدن محکوم به فناست. رمان در بطن داستان گوشزد می‌کند که انسان موجودی عادت پذیر است و کم کم به محیط عادت می‌کند اما مکس بر—خلاف این باور عصبانی می‌کند که موجباتش مرگش است. رمان بر این باور است که ما محکوم به جبر هستیم و تقلا بی‌فایده است. رمان قید می‌کند که این دنیا، حالت روحانی از آن دنیاست که آن دنیاى بالا در نظر ما فقط تبدیل به حالت جسمانی شده و باعث می‌شود از این دنیا غافل شویم. رمان سرنوشتی پرتمه وار دارد، عقاب رها رسیدن به دنیایی است که وجود ماست و چنگ زدن به او فقط فتای مارا زودتر می‌رساند.

اما از جنبه سیاسی رمان در بررسی و نقد حکومت های سیاسی چپ به ویژه حکومتی کمونیستی است که حتی باعث تبعید کاداره از آلبانی شد.

عقاب از این منظر نماد آزادی و صلابتی است و قهرمان رمان سعی دارد با سوار شدن بر آن طبق یک افسانه قدیمی به عالم بالا صعود کند که در واقع همین عقاب در قفس نقدی ترکت بر حکومت های مستبد چپ گرای کمونیستی است.

قسمت‌هایی از کتاب

وقتی که قفس خالی شد، این احساس به او دست داد که باری از روی دوشش برداشته شده است. با این وصف، نمی توانست از زمین خون آلود چشم برگیرد. لحظه ای احساس کرد که فرمز مایل به ازوغوانی تیره تر می شود، گوئی که بخواد روی رازی را ببوشاند، اما لحظه بعد دید که درخشش خود را باز یافته است. سرش را در سمت پنجره برگرداند. بیرون، کیش شده بود. با خودش فکر کرد که امشب زمان مناسبی است. درخشش ماه به‌قدری بود که حیوانات وحشی نگران نمی‌شدند. پتو را کنار زد و برخاست. موهایش را جلوی آینه کم‌پوشش صاف کرد، پالتویی پوشید و بیرون رفت…